

# پوشش‌های گفتاری در قرآن

سید محمد حسین مرعشی

«استعاره یک تبدیل است؛ تبدیلی که برخی تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد، بر بعضی شباهت‌ها تکیه می‌کند و متوجه قصد گوینده است.»

کتاب استعاره‌های قرآن (پوشش‌های گفتاری قرآن)، اثر دکتر ت. صباغ، پژوهشگری لبنانی است که حدود پنجاه سال پیش می‌زیسته و این تمام اطلاعاتی است که درباره نویسنده کتاب در اختیار داریم. این نویسنده شاید ناشناس باشد، اما کسی مانند لویی ماسینیون، اسلام‌شناس معروف غربی درباره کتاب او می‌نویسد: «برای شناخت معانی روشن‌فکری دین نیاز به پژوهش‌هایی است که کتاب استعاره‌های قرآن می‌تواند سرآغاز آن باشد». از سوی دیگر طی این سال‌ها برخی ترجمه‌های صورت گرفته به وسیله مترجمانی که تحصیلات غیر حوزوی داشته‌اند، با اشتباهاتی در مورد استعاره‌های قرآنی همراه بوده که به شدت فاحش می‌نماید. از این رو، کتاب حاضر می‌تواند به مخاطبان این ترجمه‌ها نیز یاری برساند و از سوی دیگر مترجمان دیگری را که قصد برگرداندن قرآن به فارسی را دارند، یاری دهد تا اشتباهات قرآن پژوهان غربی را در ترجمه قرآن تکرار نکنند. مهم‌تر از همه این‌که حتی در زبان عربی کتابی با این رویکرد نداریم، چرا که صباغ در کتاب حاضر با دست‌مایه‌شناخت تاریخی می‌کوشد تا معانی حقیقی و مجازی قرآن را از طریق مقایسه آیات مختلف، قرار دادن علم زبان، ریشه‌یابی و استخراج کند.

این کتاب به زبان فرانسه نگارش یافته و موضوع اصلی آن، بررسی مجازها و معنای نخستین واژه‌های عربی قرآن است. این نکته مسلم است که طبقه‌بندی مجازهای قرآن آغازگر تدوین بلاغت عربی است. در کتاب البدیع اثر عبدالله بن معتمر (د. ۲۹۶ ق)، که نخستین کتاب در بلاغت عربی است، هفده مقوله از اشکال زیبایی بیان بررسی می‌شود. نویسنده این اثر عمیقاً تحت تأثیر قرآن قرار دارد. بیشتر مثال‌های او در این کتاب، آیه‌های قرآن است. در میان آرایه‌های ادبی، استعاره نخستین نوع مجاز به شمار می‌آید و رساتر از دیگر آرایه‌هاست. زیرا اندیشه را با وضوح و قدرت بیشتری بیان می‌کند و آن را زیباتر، گیراتر و نیرومندتر طرح می‌کند. استعاره صورتی از پیام است که از راه انتزاع به ارتباطی نامنتظره و کاملاً ذهنی با موضوع می‌انجامد و بسیار اثرگذارتر از لفظ حقیقی است. استعاره یک تبدیل است؛ تبدیلی که برخی تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد، بر بعضی شباهت‌ها تکیه می‌کند و متوجه قصد گوینده است.

استعاره را می‌توان به دو گونه روزمره یا معمولی و ادبی یا زیباشناختی تقسیم کرد. استعاره



ت. صباغ، استعاره‌های قرآن، پوشش‌های گفتاری در قرآن، برگردان سید محمد حسین مرعشی، تهران: نشر نگاه معاصر.

معمولی به صورت تصویری پدیدار می‌شود که حاصل درک همزمان صورت ظاهری دو موضوع است؛ مانند قطار که جایگزین افرادی که صف کشیده‌اند، می‌شود. در استعاره زیباشناختی یا شاعرانه و ادبی که با تجسم تصاویر دور از ذهن و مربوط به اشیاء در صدد پدید آوردن تصویر دیگری از آن‌ها هستیم، به دو موضوع از دیدگاه مشترکی نگریسته می‌شود؛ مانند «دانه‌های زرین آسمان» به جای ستارگان. استعاره‌ها مانند موجود زنده، به دنیا می‌آیند، دوران قدرت و ضعف را می‌گذرانند و پس از گذشت زمان می‌میرند. تضعیف یا مرگ یک استعاره، در اثر کثرت کاربرد یا گذشت دوران موضوع آن است. تازگی یک استعاره مرده یا متروک را با تعمق در عناصر سازنده آن می‌توان دریافت. اما اگر محیط یک استعاره را در نظر بگیریم، استعاره به نظر عجیب و نامفهوم می‌رسد. فردی بیگانه با زندگی اعراب بادیه‌نشین مسلماً نمی‌فهمد که جمله استعاری «خاکستر دیگ او زیاد است» به معنای سخاوت‌مند بودن اوست. به عبارت دیگر، استعاره، ماهیت جامعه‌ای را که آن را پدید آورده است، آشکار می‌سازد. با بررسی استعاره‌های ملت‌ها می‌توان تفاوت نگاه جوامع مختلف را نسبت به محیط دریافت یا دست کم یکی از جنبه‌های روان‌شناختی مردمی که استعاره را پدید می‌آورند، آشکار ساخت. این امر در مورد استعاره‌های قرآن نیز صدق می‌کند. مثلاً «ضربت عليهم الذلة والمسكنة» «قل رب اعوذ بك من همزات الشیاطین» و یا «والناشطات نشطاً» و مواردی از این قبیل اشاره به ویژگی‌های زندگی مردمی دارد که قرآن در میان آنها نازل شده است. از طرفی این استعاره‌ها امروزه به اصطلاح‌هایی تبدیل شده‌اند که از تصویر نخستین خود فاصله دارند. مفهوم آنها تغییری نکرده است، اما دیگر استعاره نیستند. حتی برای اعراب امروز نیز قدرت خیال‌انگیزی ندارند. همان‌طور که در آیات فوق گفته شد، کلمه ضربت، دیگر «خیمه زدن» را در ذهن تداعی نمی‌کند، بلکه «در خود پیچیده یا فروپوشاندن» معنا می‌شود (ذلت و بدبختی آنها را فروپوشاندن) و یا «همز» به معنای «با وسوسه به ستوه آوردن» است و نه «مهمیز زدن به اسب» (بگو پروردگار را از وسوسه‌های بی‌امان شیطان به تو پناه می‌برم) و یا «نشط» (بالا کشیدن [سطل] از چاه) از تصویر استعاری خود کاملاً دور شده است. امروزه واژه «ناشطات» به مفهوم فرشتگانی است که روح مؤمنان را به آسمان می‌برند. بدین ترتیب از بداعت آیات دور می‌شویم. برای درک زیبایی این استعاره‌ها باید به زمان و مکان نزول وحی بازگردیم و مانند نخستین شنوندگان آیات به آنها گوش بسپاریم تا نفوذ این کلمات را در عمق روح و جان خود حس کنیم. این درک برای غیر عرب زبان‌ها نیز تا حدود بسیار ممکن است.

آن طور که پیداست سبک استعاره‌های قرآن برای مردم ادب‌آشنای آن دوره بسیار تازه و مسحورکننده بوده است؛ طوری که مخالفان نیز پنهانی به تلاوت آن گوش فرامی‌دادند. اما طبقه‌بندی سبک استعاره‌های قرآن نیاز به پژوهشی دارد که در تخصص اساتید بلاغت و زبان‌شناسان عرب است که نویسنده این کتاب این مهم را برعهده خود گرفته است.

دکتر صباح، با دقتی در خور ستایش همه مجازهای قرآن را با ذکر معانی اولیه‌شان در کنار معانی کنونی، بررسی می‌کند و این تلاش ایشان به ما یاری می‌کند تا ظنی را که عبارات قرآنی در ذهن نخستین شنوندگانش داشته است تا حدودی دریابیم.

مؤلف برای تألیف این کتاب ده‌ها منبع دست اول عربی مانند

کشاف، جامع البیان، الاتقان، کشف الظنون، اعجاز القرآن، و منابع دیگر را مورد استفاده قرار می‌دهد. هم‌چنین از بیش از سی‌اثر به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی از نویسندگانی چون بروکلمان، بلاشر، فولگل، کازیمیرسکی، نیکلسون، نولدکه و سیستر سود جسته است.

گفتنی است، او در این کتاب زبان عربی را مد نظر داشته و زبان قرآن را مورد بحث قرار می‌دهد. در حالی که به دیگر شواهد معانی قرآن از جمله ادبیات پیش از اسلام، روایات و احادیث، کمتر توجه می‌کند، اما در عین حال نویسنده معتقد است به غیر از قرآن، منابع دیگری می‌تواند ما را در فهم مفاهیم نخستین قرآن یاری دهد: یکی اشعار جاهلی و دیگری، روایات و اخبار نقل شده از صدر اسلام. اما او با این منابع با احتیاط بسیار برخورد می‌کند. زیرا اشعار پیش از اسلام از هنگام سروده شدن تا هنگام مکتوب شدنشان چند سده فاصله است. این اشعار پس از سده دوم هجری از حافظه‌ها به پوست و کاغذ منتقل شده‌اند. در این مدت چه بسا تغییر و تحریف‌هایی صورت پذیرفته است. از طرفی، این شعرها به دوره‌های مختلف و شاعران گوناگون متعلق‌اند، اما به عقیده نویسنده، از جنبه محتوا به هم شباهت دارند و از نظر سبک به شیوه بیان قرآن شباهت دارند و این سبب تردید در اصالت آن‌ها می‌شود. از طرفی احادیث و روایات اسلامی که از سده دوم هجری به بعد مکتوب شده‌اند، آن قدر انبوه‌اند که اعتبار همه آنها دشوار می‌نماید. فرقه‌های مختلف دینی و حکومت‌های مختلف در دو قرن نخست اسلام در گستره دو امپراتوری بزرگ ایران و روم و فرقه‌های مذهبی هر یک به دلایل خاص خود به تحریف یا جعل روایات پرداخته‌اند تا رفتار سیاسی یا عقاید دینی خود را با استدلال‌هایی غیرقابل تردید توجیه کنند. از این رو، نویسنده می‌کوشد برای دست‌یافتن به معانی واژگان قرآن از خود قرآن بهره برد. بدین صورت که آیاتی را که واژه‌هایی مشترک دارند، در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و می‌کوشد معانی حقیقی و مجازی آنها را دریابد. البته منابعی که نویسنده از آن‌ها استفاده کرده به روایات و احادیث و اشعار پیش از اسلام نیز توجه داشته‌اند. بنابراین، همان‌گونه که گفته شد اگر واژه‌های قرآنی، تنها یک معنای (مجازی یا حقیقی) داشته باشند و یا دو معنای حقیقی، سعی مؤلف بر این بوده معانی آنها با اتکا به نص و عبارات دیگر قرآن که در آن‌جا نیز همان واژه تکرار شده است از یکدیگر متمایز شوند. او در این راه از فرهنگ‌های لغت متعدد و تاریخ متن‌شناسی و لغت‌شناسی نیز استفاده کرده است.

گفتنی است، به‌رغم این‌که برخی رویکرد مؤلف را در این اثر، رویکرد هرمنوتیک می‌پندارند، مؤلف در این اثر، رویکرد زبان‌شناسی و فقه‌اللغه دارد، هرچند می‌توان شواهدی را از ورود بحث هرمنوتیک در آن یافت.

در پایان، می‌توان درباره ضرورت مطالعه این کتاب بیان کرد که آن به واژه‌نامه‌ای می‌ماند مشتمل بر واژه‌هایی که موضوع استعاره‌های قرآنی قرار گرفته‌اند و جالب آن‌که بیشتر این واژه‌ها به انسان و زندگی اجتماعی او مربوط می‌شود و طبیعت و جهان اطراف در اولویت بعدی قرار می‌گیرند. با فهم و درک این واژه‌ها می‌توان دریافت که در زبان قرآن، از چه بداعتی در خلق استعاره استفاده شده است. علاوه بر این، اساساً رنگ و بوی جامعه‌ای را به خود می‌گیرد که در آن خلق شده است، و طبعاً به کمک این استعاره‌ها می‌توان به طرز تفکر گروه‌های اجتماعی، شیوه زندگی و دیگر ویژگی‌های آنان پی برد. ■

